



الدرس الاول

محتوا در یک نگاه

قواعد این درس شامل مرور تمام مباحث پایه (سال هفتم، هشتم، نهم) می باشد.
ارزیابی محتوا: قواعد این درس حجم نسبتاً زیادی را به خود اختصاص می دهد.



درسنامه

فعل ماضی

نشان دهنده‌ی انجام عملی در زمان گذشته است و به صورت زیر صرف می‌شود:

متکلم	
ذَهَبْتُ	وحده
ذَهَبْنَا	مع الغیر

مخاطب		
مونث	مذکر	
ذَهَبْتُ	ذَهَبْتَ	مفرد
ذَهَبْتُمَا	ذَهَبْتُمَا	مثنی
ذَهَبْتُنَّ	ذَهَبْتُمْ	جمع

غائب		
مونث	مذکر	
ذَهَبَتْ	ذَهَبَ	مفرد
ذَهَبَتَا	ذَهَبَا	مثنی
ذَهَبْنَ	ذَهَبُوا	جمع

✓ اولین صیغهی فعل ماضی آخرین حرکتش فتنحه است.

فعل مضارع

نشان دهنده‌ی انجام عملی در زمان حال است و به صورت زیر صرف می‌شود:

متکلم	
أَذْهَبُ	وحده
نَذْهَبُ	مع الغیر

مخاطب		
مونث	مذکر	
تَذْهَبِينَ	تَذْهَبُ	مفرد
تَذْهَبَانِ	تَذْهَبَانِ	مثنی
تَذْهَبْنَ	تَذْهَبُونَ	جمع

غائب		
مونث	مذکر	
تَذْهَبُ	يَذْهَبُ	مفرد
تَذْهَبَانِ	يَذْهَبَانِ	مثنی
يَذْهَبْنَ	يَذْهَبُونَ	جمع

✓ اولین صیغهی فعل مضارع آخرین حرکتش ضمه است.

✓ کلید فعل مضارع :

- (۱) یکی از حروف « تینا » در ابتدای کلمه باشد .
 اگر هر دو شرط برقرار باشد
 (۲) ـ یا نون در انتهای کلمه باشد.



فعل مستقبل (آینده)

با آمدن «سَ» یا «سوف» در ابتدای فعل مضارع ساخته می‌شود و آخر فعل مضارع بدون تغییر می‌ماند.
سوف یذهبُ: خواهد رفت

فعل منفی

نشان دهنده‌ی انجام نشدن کاری است و در ترجمه فارسی «ن» به ابتدای ترجمه مثبت فعل اضافه می‌کنیم و به یکی از دو صورت زیر ساخته می‌شود:

(۱) ما + ماضی ←

(۲) لا + مضارع ←

☑ آخر فعل بدون تغییر است.

کاربرد «ما» در منفی کردن مضارع

گاهی اوقات نیز برای منفی کردن فعل مضارع می‌توانیم از «ما» استفاده کنیم .
و ما نُرْسِلِ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مَبْشَرِينَ وَ مُنْذَرِينَ

ما تدری نفساً ماذا تکسبُ غدا



فعل نهی

دستوری بر انجام ندادن کاری می باشد و به صورت زیر ساخته می شود:

(۱) به ابتدای فعل مضارع «لا» اضافه می کنیم.

(۲) آخر فعل مضارع را مجزوم می کنیم .

} مجزوم

که به صورت زیر صرف می شود:

متکلم	
لاأذهبُ	وحده
لاأذهبُ	مع الغير

مخاطب		
مونث	مذكر	
لاأذهبي	لاأذهبُ	مفرد
لاأذهبا	لاأذهبا	مثنی
لاأذهبنَ	لاأذهبوا	جمع

غائب		
مونث	مذكر	
لاأذهبُ	لاأذهبُ	مفرد
لاأذهبا	لاأذهبا	مثنی
لاأذهبنَ	لاأذهبوا	جمع

تفاوت لا ناهیه و لا نافیہ:

(۱) با آمدن «لا ناهیه» آخر فعل مضارع مجزوم می شود ولی با آمدن «لا نافیہ» آخر فعل مضارع تغییر نمی کند.

(۲) با «لا ناهیه» فعل مضارع به صورت دستور منفی و با «لانافیہ» فعل مضارع فقط منفی می شود.



فعل امر

دستوری بر انجام دادن کاری می‌باشد و به یکی از دو صورت زیر ساخته می‌شود:

۱) امر غایب و متکلم (امر به لام): از این روش فقط برای ساختن فعل امر از ۶ صیغه‌ی غایب و ۲ صیغه‌ی متکلم استفاده می‌شود

لِ + مضارع مجزوم:

۲) امر مخاطب (امرحاضر): از این روش فقط برای ساختن فعل امر از ۶ صیغه‌ی مخاطب استفاده می‌شود که به صورت زیر

می‌باشد:

الف) اول، آخر فعل مضارع را مجزوم می‌کنیم.

ب) حرف «ت» را از ابتدای فعل مضارع حذف می‌کنیم، اگر بعد از حذف «ت» اولین حرف ساکن داشته باشد، برای راحتی تلفظ به

ابتدای فعل یک همزه اضافه می‌کنیم که حرکت این همزه به حرکت بعد از ساکن بستگی دارد، یعنی اگر بعد از ساکن ضمه باشد،

همزه، ضمه می‌گیرد و اگر فتحه یا کسره باشد، همزه، کسره می‌گیرد.

مثال:

اما اگر بعد از حذف «ت» اولین حرف ساکن نباشد

همزه‌ی امر باب «إفعال» فتحه می‌گیرد.

هر فعلی که با «ا» یا «إ» شروع شده باشد فعل امر است به جز ماضی ثلاثی مزید. (به جز اِنْفَعَلَ - اِفْتَعَلَ - اِسْتَفَعَلَ)

فعل امر به صورت زیر صرف می‌شود:

متکلم	
لَاذْهَبْ	وحده
لَنْذَهَبْ	مع الغیر

مخاطب		
مونث	مذکر	
اِذْهَبِي	اِذْهَبْ	مفرد
اِذْهَبَا	اِذْهَبَا	متنی
اِذْهَبْنَ	اِذْهَبُوا	جمع

غائب		
مونث	مذکر	
لِتَذْهَبِي	لِيَذْهَبْ	مفرد
لِتَذْهَبَا	لِيَذْهَبَا	متنی
لِيَذْهَبْنَ	لِيَذْهَبُوا	جمع



خط به خط با مؤلف کتاب درسی

(الْحَمْدُ لِلَّهِ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ) الأنعام: ۱۰

ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را بنهاد.

ذاکَ هُوَ اللهُ آن همان خداست.

أَنْظُرُ لِيَتْلِكَ الشَّجَرَةَ ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضِيرَةَ
به آن درخت دارای شاخه‌های تر و تازه بنگر.

كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَهُ
چگونه از دانه‌ای روئیده و درختی شده است؟

فَأُبْحَتُ وَ قُلُ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ
پس جستجو کن و بگو چه کسی میوه را از آن بیرون می‌آورد؟

وَ انْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتُهَا مُسْتَعِيرَةً
و به خورشیدی که پاره آتش آن فروزان است بنگر.

فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ
در آن نور هست و به کمک آن گرمای پراکنده هست.

مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ
چه کسی آن را در فضا همچو پاره‌ی آتش پدید آورد؟

ذَاكَ هُوَ اللهُ الَّذِي أَنْعَمَ مِنْهُمْ
آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

ذُو حِكْمَةٍ بِالْغَيْهِ وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ
دارای (حکمت) دانشی کامل و نیروی توانایی است.



زنگ عربی

أَنْظُرُ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ
به شب بنگر؛ پس چه کسی ماهش را در آن پدید آورده است؟

و زَانَهُ بِأَنْجُمٍ
و با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده آراست؟ (زینت داد)

و أَنْظُرُ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ
و به ابربنگر؛ پس چه کسی بارانش را از آن فرو فرستاد؟ (نازل کرد)

فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ
و زمین را پس از تیره رنگی (غبارآلودگی) سرسبز ساخت؟

و أَنْظُرُ إِلَى الْمَرْءِ وَ قُلْ
و به انسان بنگر و بگو چه کسی بینایی را در او پدید آورده است؟ (شکافت)

مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ
چه کسی او را به نیروی اندیشمند مجهز کرد؟

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي
آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

* الْمَعْجَم *

ضياء: روشنايي	دُرر: مرواریدها (مفرد: دُر)	اغبار: تیره رنگی، غبار آلودگی
غصون: شاخه‌ها (مفرد: غصن)	ذا: این ← هذا	أنجم: ستارگان «مفرد: نجم، نجمة»
غيم: ابر	ذات: دارای	أنزل: نازل کرد
قل: بگو	ذاک: آن	أنعم: نعمت‌ها «مفرد: نعمة»
مستعرة: فروزان	ذو: دارای	أوجد: پدید آورد
مفتكرة: اندیشمند	زان: زینت داد	بالغ: کامل
منهمة: ریزان	شرة: اخگر (پاره آتش)	جذوة: پاره آتش
نصرة: تر و تازه	شق: شکافت	جهز: مجهز کرد
نمت: رشد کرد «مؤنث نما»	صير: گردانید	خضرة: سرسبز



يُخْرِجُ: در می آورد

تَعَارُفُ: آشنایی با یکدیگر

قَاعَةٌ: سالن

مَطَارٌ: فرودگاه

مَعَ الْأَسْفِ: متأسفانه

أَنْ أُسَافِرَ: که سفر کنم

ضَعُ: بگذار

يَدُورُ: می چرخد

مُسْتَعِينًا بِ: با استفاده از

حوار

التعارف / آشنایی با یکدیگر

- أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ یکی از کارمندان در سالن فرودگاه	- زائرُ مَرَقَدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ زائر مرقد امیر مؤمنان علی (ع)
- عَلَيْكُمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. درود و مهر و برکت‌های خدا بر شما باد.	- السَّلَامُ عَلَيْكُمْ. سلام علیکم
- صَبَاحَ النَّورِ وَالسُّرُورِ. صبح به روشنایی و شادی.	- صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي. صبح به خیر ای برادرم.
- أَنَا بِخَيْرٍ، وَكَيْفَ أَنْتَ؟ من خوبم، و تو چطوری؟	- كَيْفَ حَالُكَ؟ حالت چطوره؟
- عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ بیخشنید، اهل کجایی؟	- بِخَيْرٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ. خوبم، خدا را شکر.
- مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ اسم شریفت چیه؟	- أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ. من از جمهوری اسلامی ایرانم.
- اسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَانِ. اسم من عبد الرحمان.	- اسْمِي حُسَيْنٌ وَمَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ اسم من حسین و اسم شریف تو چیه؟
- لا، مَعَ الْأَسْفِ، لَكِنِّي أَحَبُّ أَنْ أُسَافِرَ. نه، متأسفانه. ولی من دوست دارم که سفر کنم.	- هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانِ حَتَّى الْآنَ؟ آیا تاکنون به ایران مسافرت کردی؟
- إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ. اگه خدا بخواد؛ به امید دیدار؛ به سلامت.	- إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانِ! اگه خدا بخواد به ایران سفر می کنی؟
- فِي أَمَانِ اللَّهِ وَحَفِظِهِ، يَا حَبِيبِي. در امان خدا و حفظ او، ای دوست من.	- فِي أَمَانِ اللَّهِ. در امان خدا.



الْتَّمَارِين (تمرین ها)

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: كَمَلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

تمرین اول: ترجمه آیات و احادیث زیر را کامل کن.

۱. (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ) الاصف: ۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا می‌گویید آنچه انجام نمی‌دهید.

۲. (وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ) المؤمنون: ۵۱

و کار نیکو انجام دهید؛ زیرا من به آنچه انجام می‌دهید، آگاهم.

۳. (رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ) الأعراف: ۴۷

پروردگارا، ما را با گروه ستمکاران قرار مده.

۴. «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ ... وَلَكِنْ أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ. رسول الله (ص)

به بسیاری نمازشان و روزه‌شان و بسیاری حج گزاردن منگريد بلکه به راستی گفتار و امانتداری آنها بنگريد.

۵. «ارْحَمَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.» رسول الله (ص)

به کسی که در زمین است، رحم کن تا کسی که در آسمان است، به تو رحم کند.

۶. «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.» رسول الله (ص)

دانش را طلب کنید گرچه در چین باشد، زیرا طلب دانش واجب است.

- التَّمَرِينُ الثَّانِي: اِقْرَأِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ.

تمرین دوم: احادیث زیر را بخوان سپس ترجمه صحیح آن را مشخص کن.

۱. «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.» رسول الله (ص)

برای (دنیایت) چنان کار کن گویی همیشه (زندگی می‌کنی) و برای آخرتت چنان کار کن گویی (فردا می‌میری).

۲. «أَنْظُرْ إِلَيَّ مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَيَّ مَنْ قَالَ» امیرالمؤمنین علی علیه السلام

به آنچه گفته است (بنگر) و به آن که گفته است (نگر).

۳. «إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.» امیرالمؤمنین علی علیه السلام

هرگاه فرومایگان (به فرمانروایی برسند)؛ شایستگهان هلاک می‌شوند.

الأَرَاذِلُ: فرومایه‌ترها، فرومایگان / الأَفَاضِلُ: برترها، شایستگان

۴. «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ» امیرالمؤمنین علی علیه السلام

هر کس (دشمنی) کاشت: (زیان) درو کرد.

۵. «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ» امیرالمؤمنین علی علیه السلام

سخن مانند داروست. اندکش (سود می‌رساند) و بسیارش کُشنده است.

۶. إِذَا قَدَّرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. امیرالمؤمنین علی علیه السلام

هرگاه (بر دشمنت قادر شدی)، پس بخشیدن او را شکرانه‌ی توانایی یافتن بر او (قرار بده).



۷. قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نَصْفُ الْعِلْمِ. امیرالمؤمنین علی علیه السلام

گفتن (نمی دانم) نیمی از دانش است.

الْتَمِرِينَ الْفَالْتِ: ضَعُ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

تمرین سوم: در دایره عدد مناسب را قرار بده. یک کلمه اضافی است.

۱. الشَّرْرَةُ (اخگر) مِنْ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْعَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ. ۷

(از سنگ‌های زیبای گران قیمت دارای رنگ سفید هستند.)

۲. الشَّمْسُ (خورشید) جَدْوَتُهَا مُسْتَعْرَةٌ، فِيهَا ضِيَاءٌ وَبِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ. ۲

(آتشش فروزان است، در آن روشنایی است و به کمک آن گرمایی پراکنده است.)

۳. الْقَمَرُ (ماه) كَوْكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ. ۳

(سیاره‌ای است که به دور زمین می‌چرخد، روشنایی‌اش از خورشید است.)

۴. الْأَنْعَامُ (نعمت‌ها) بَخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي الْأَمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ. ۵

(بخاری فشرده و انبوه (جمع شده) در آسمان است که باران از آن می‌بارد.)

۵. الْغَيْمُ (ابر) مِنْ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ. ۶

(از لباس‌های زنانه دارای رنگ‌های مختلف است.)

۶. الْفُسْتَانُ (پیراهن) قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ. ۱

(پاره‌ای از آتش است.)

۷. الدَّرَرُ (مرواریدها)

الْتَمِرِينَ الرَّابِعُ: ضَعُ هَذِهِ الْجُمْلَةَ وَالتَّرَاكِيِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

تمرین چهارم: این جمله‌ها و ترکیب‌ها را در مکان مناسبشان قرار بده.

هُؤْلَاءُ فَائِزَاتُ / هَذَانِ الدَّلِيلَانِ / تِلْكَ بَطَّارِيَةٌ / أَوْلَئِكَ الصَّالِحُونَ / هُؤْلَاءُ الْأَعْدَاءُ / هَاتَانِ الرَّجَاغَتَانِ

مثنی مؤنث	مثنی مذکر	مفرد مؤنث
هَاتَانِ الرَّجَاغَتَانِ این دو شیشه	هَذَانِ الدَّلِيلَانِ این دو راهنما	تِلْكَ بَطَّارِيَةٌ آن باطری است.
جمع مکسر	جمع مؤنث سالم	جمع مذکر سالم
هُؤْلَاءُ الْأَعْدَاءُ این دشمنان	هُؤْلَاءُ فَائِزَاتُ اینان برنده‌اند.	أَوْلَئِكَ الصَّالِحُونَ آن درستکاران



زنگ عربی

التمرین الخامس: ضع المترادفات والمتضادات في مكانها المناسب. = ≠
تمرین پنجم: مترادفها و متضادها را در جای مناسبشان قرار بده.

رَخِيصَةٌ ≠ غَالِيَةٌ	رَاسِبٌ ≠ نَاجِحٌ	بَسَارٌ ≠ يَمِينٌ
ارزان ≠ گرانها، ارزشمند	مردود ≠ قبول	چپ ≠ راست
بَيْعٌ ≠ شِرَاءٌ	بَدَايَةٌ ≠ نِهَائَةٌ	بَعِيدٌ ≠ قَرِيبٌ
فروش ≠ خرید	آغاز ≠ پایان	دور ≠ نزدیک
رَقْدٌ = نَامٌ	قَبِيحٌ ≠ جَمِيلٌ	نور = ضياء
خوابید، بستری شد	زشت ≠ زیبا	نور، روشنایی
حَزِينٌ ≠ مَسْرُورٌ	مُجْتَهِدٌ = مُجِدٌ	مَمْنُوعٌ ≠ مَسْمُوحٌ
اندوهگین ≠ شاد	کوشا، تلاشگر	منع شده ≠ مجاز، اجازه داده شده

التمرین السادس: أرسم عقارب الساعات. تمرین ششم: عقربه‌های ساعت‌ها را رسم کن.



أَسَادِسَةٌ إِلَى رُبْعٍ

٥:٤٥



الثَامِنَةُ وَ النِّصْفُ

٨:٣٠



الْخَامِسَةُ وَ الرَّبْعُ

٥:١٥



مترادف، متضاد، جمع مکسر

ذات = ذو	جذوة = شررة	ثمره = فاکهه	انجم = کواکب
ضیاء = نور	نام = رقده	شاء = اراد	صارت = اصبحت
		قاعة = صالة	مجد = مجتهد

حزین ≠ مسرور	بالغة ≠ ناقصة	بيع ≠ شراء	أسود ≠ أبيض
مسموح ≠ ممنوع	قصير ≠ طويل	غالية ≠ رخيصة	راسب ≠ ناجح

أحبة ← حبيب	حبوب ← حب	أبصار ← بصر	أنجم ← نجم
أمطار ← مطر	فساتين ← فستان	عقارب ← عقربة	دُرر ← در
غصون ← غصن	نصوص ← نص	ملابس ← لباس	معاجم ← معجم



فعل‌های مهم درس

مصدر	نهی	امر مخاطب	مضارع	ماضی
التَّعَارُفُ	لَا تَجْعَلْ	أَنْظُرْ	أُسَافِرُ	نَمَتَ
صِدْقٍ	لَا تَنْتَظِرُوا	إِبْحَثْ	يُخْرِجُ	أَنْزَلَ
نَهَايَةَ	لَا تَنْتَظِرْ	تَرَجِمْ	أُحِبُّ	أَوْجَدَ
أَدَاءِ	لَا تَقْتُلُوا	ضَعْ	تَقُولُونَ	جَهَّزَ
عُدْوَانِ	لَا تَدْخُلُوا	كَمَلْ	تَفْعَلُونَ	شَقَّ
خُسْرَانِ		قُلْ	يَدُورُ	صَارَتْ
عَفْوِ		إِجْعَلْ	تَنْتَظِرُوا	رَقَدَ
شُكْرِ		إِرْحَمْ	تَعِيشُ	صَيَّرَ
قَوْلِ		أُطْلِبُوا	تَمُوتُ	زَانَ
قُدْرَةِ			يَفْعُ	سَافَرَتْ
شِرَاءِ			أَعْلَمُ	
			يَنْزِلُ	



خاصه قواعد

مونث: اسم مفرد (ة - ة) دارد / أمّ - أخت / اسامی شهر و کشور / اعضای زوج بدن

مذکر: اسمی که موارد بالا نباشد. کتاب - رَجُل

جنس اسم‌های جمع از مفرد آنها تعیین می‌شود ← **إخوة** که مفرد آن **أخ** و مذکر است.

أرض، شمس، سماء، دار، نار، حرب، بئر، روح، ریح، حال، نفس، عصا ← مونث

اسم از نظر جنس

مفرد: یک نفر یا یک چیز

مثنی: نشانه‌ی دو نفر یا دو چیز / با اضافه کردن (ان - ين) ← معلمان - معلمین

مذکر سالم: بیش از دو نفر یا دو چیز / با اضافه کردن (ون - ين) ← معلمین - معلمون

مونث سالم: بیش از دو نفر یا دو چیز مونث / با اضافه کردن (ات) ← معلمات

مکسر: بی‌قاعده و حفظی ← کُتُب - أقلام

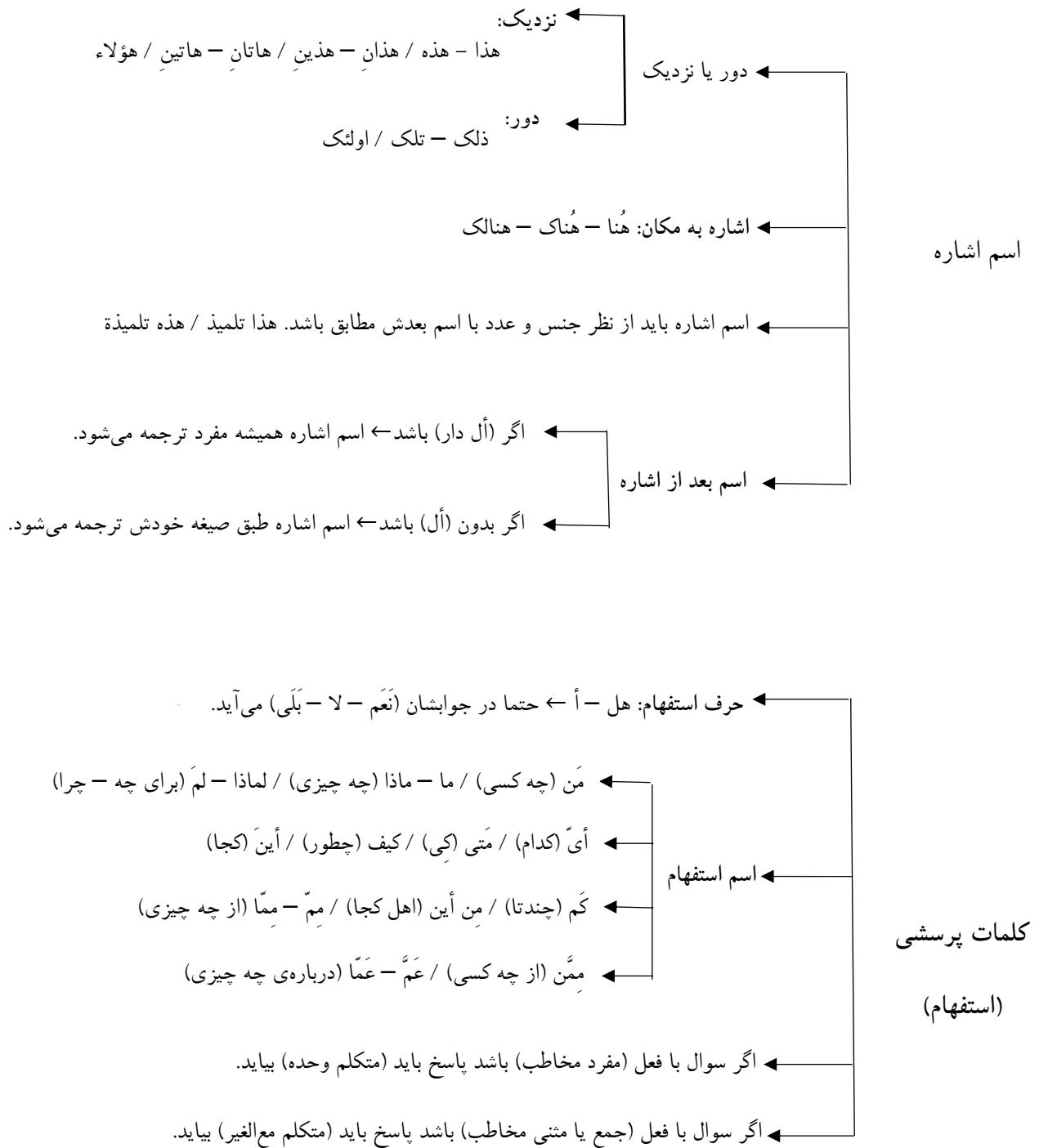
جمع

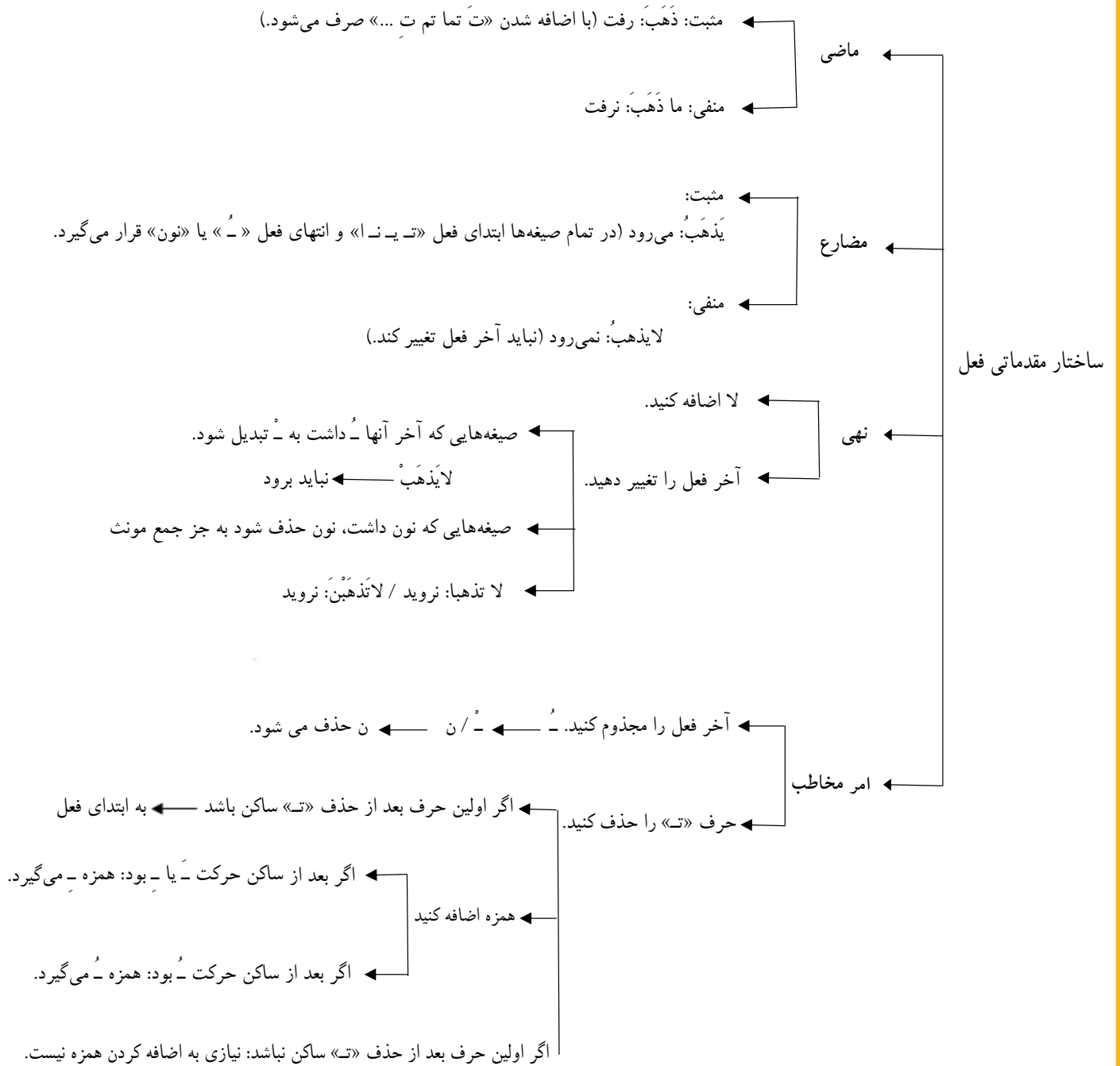
اسم از نظر عدد

أصوات - أوقات - أبيات - أموات جمع مکسر هستند نه جمع مونث سالم

عطشان - إيمان - انسان و ... ← (ان) دارند ولی مثنی نیستند. (مفرد هستند)

مساكين - شياطين - قوانين و ... ← (ين) دارند ولی جمع مذکر سالم نیستند. (جمع مذکر هستند).







تمرین تکمیلی

التمرین الاول

إنتخب الترجمة الصحيحة ثم عين الماضي و المضارع و الأمر و النهي و المنفى:

(۱) لا تجتمع خصلتان في مؤمن: البخل و الكذب.

دو ویژگی در مومن (باهم) بخل و دروغگویی. جمع نمی شوند جمع نشده اند

(۲) بر الوالدين يزيد في العمر و الكذب ينقض الرزق.

نیکی به پدر و مادر عمر را زیاد می کند و دروغ روزی را گم می کند کم خواهد کرد

(۳) أترك فضول الكلام و حسبك من الكلام ما تبلغ به حاجتك.

بیهوده سخن گرفتن را و سخنی که حاجت تو را رفع کند برایت کافی است. ترک می کنم ترک کن

(۴) لا تطعموا المساكين مما لا تأكلون.

از آنچه خود به نیازمندان ندهید. نخورده اید نمی خورید

(۵) أخلصوا أعمالكم لله فإن الله لا يقبل إلا ما خلص له.

کارهایتان را برای خدا چرا که خداوند عملی را قبول نمی کند مگر آنچه برایش خالص شود. خالص کرده اند خالص کنید

(۶) دخلت الجنة فإذا أكثر أهلها البله.

وارد بهشت پس بیشتر اهل آن افراد ساده و بی غل و غش بودند. شدم شدید

التمرین الثانی

ترجم الافعال الملوثة و اذكر نوعها (الماضي، المضارع، النفي، النهي):

(۱) و ما ظلمهم الله و لكن كانوا أنفسهم يظلمون.

(۲) قول لأعلم نصف العلم.

(۳) إعمل لدنياك كأنك تعيش أبداً.

(۴) لا تقتلوا أنفسكم إن الله كان بكم رحيماً.



التمرین الثالث

إنتخب الترجمة الصحيحة:

(١) تلك مدرستنا الجديدة.

آن مدرسه ماست كه (جدید است جدید ما است)

(٢) كان هولاء الرجال يتناولون القهوة.

این مردان قهوه (می خوردند می خوردند)

(٣) سأدرُسُ اللغةَ لأفهمَ أحاديثَ الرسولِ (ص) جيداً

زبان عربی را (خواهم خواند می خوانم) تا احادیث رسول (ص) را خوب بفهمم.

(٤) افتَحوا البابَ أيها الأعداءُ لأدخُلَ الصَّفَّ.

در را (باز کنید باز کردند) ای عزیزان تا وارد کلاس (بشوم شدم)

التمرین الرابع

إنتخب التوضيح المناسب (توضیح واحد زائد):

(١) العنب: (الف) يعطِفُ عَلَى المَرَضَى و مهنتُهُ قضاءُ حاجاتِ المَرَضَى.

(٢) الزَّرَافَةُ: (ب) فاكهةٌ حُبُوبُهَا حَمَاءٌ و غَنَى بعُنصرِ الحديدِ.

(٣) المَرَضُ: (ج) فاكهةٌ مُخْتَلِفُهُ الألوانِ، منها: الأسودُ و الأصفرُ.

(٤) الرِّمَانُ: (د) حيوانٌ سَرِيعٌ و الرَّاكِبُونَ يستفيدون منه في المسابِقةِ.

(٥) الشَّرْطِيُّ: (هـ) هو يَفْحَصُ المَرَضَى و يَصِفُ لَهُمُ الدَّوَاءَ.

(٦) الفَرَسُ: (و) مسؤولٌ حِفْظِ الأَمْنِ و التَّنْظِمِ في البلادِ.

(ز) حيوانٌ عُنُقُهُ طَوِيلٌ جِدًّا و لونهُ أصفرُ.



التمرين الخامس

كَمِّلِ الْفَرَاغَ بِالْفِعْلِ الْمُنَاسِبِ:

- | | | | | | |
|--------------------------|-------------|--------------------------|-------------|--------------------------|-------------|
| <input type="checkbox"/> | تَلْعَبُونَ | <input type="checkbox"/> | تَلْعَبُ | <input type="checkbox"/> | لَعِبْتَ |
| <input type="checkbox"/> | سَافَرُوا | <input type="checkbox"/> | نُسَافِرُ | <input type="checkbox"/> | سَافَرْنَا |
| <input type="checkbox"/> | ذَهَبْتَ | <input type="checkbox"/> | تَذْهَبِينَ | <input type="checkbox"/> | تَذْهَبُ |
| <input type="checkbox"/> | عَمِلْتُ | <input type="checkbox"/> | أَعْمَلُ | <input type="checkbox"/> | سَاعَمَلُ |
| <input type="checkbox"/> | شَارِكَنَ | <input type="checkbox"/> | تُشَارِكِنَ | <input type="checkbox"/> | يُشَارِكِنَ |
| <input type="checkbox"/> | يَأْخُذُ | <input type="checkbox"/> | أَخَذَ | <input type="checkbox"/> | أَخَذْتَ |

- هل كُرَّةَ الْقَدَمِ فِي الْأُسْبُوعِ الْمَاضِي؟

- سَوْفَ إِلَى سُورِيَا بَعْدَ إِنْتِصَارِ الْمُجَاهِدِينَ.

- إِلَى أَيْنَ بَعْدَ يَوْمَيْنِ يَا فَاطِمَةُ!

- هَلْ عَمِلْتَ وَاجِبَ الْجُغْرَافِيَا يَوْمَ أَمْسٍ؟ نَعَمْ

- هَوْلَاءِ النِّسَاءِ فِي الْمَسَابِقَاتِ الْعِلْمِيَّةِ مَعَ فَرِيقِ الْمَدْرَسَةِ غَدًا.

- الْمُدْرَسَةُ الْوَرَقَ مِنْ فَرِيدٍ.

التمرين السادس

إِجْعَلِ فِي الْفَرَاغِ الضَّمِيرَ الْمُنَاسِبَ:

١- سَافَرْتُمْ إِلَى مَالِيزِيَا قَبْلَ أَرْبَعِ سَنَوَاتٍ.

٢- تَذْهَبَانِ الْيَوْمَ إِلَى الْجَامِعَةِ لِشِرَاءِ بَعْضِ الْكُتُبِ.

٣- لَا تَتْرُكِي صَلَاةَ الْجَمَاعَةِ فِي الْمَسْجِدِ.

٤- تَسْتَقْبِلُ فَاطِمَةَ أُخَوَاتِ فِي الْمَطَارِ.

٥- نَعْتَمِدُ عَلَى طَاقَاتِنَا وَ تُكذِّبُونَهَا.

٦- شَاهِدَ عَلَى أُصْدِقَائِي... وَ هُوَ نَصَرَ



پاسخ تمرین تکمیلی

التمرین اول:

(۱) جمع نمی‌شوند. زیرا (لا) در لا تَجْتَمِعُ (لا نفی) است.

(۲) کم می‌کند. زیرا (يَنْقُصُ) فعل مضارع است.

(۳) ترک کن. زیرا (أَتْرَكَ) فعل امر است.

(۴) نمی‌خورید. زیرا (لا) در لا تَأْكُلُونَ (لا نفی) است.

(۵) خالص کنید. زیرا (أَخْلَصُوا) فعل امر است.

(۶) شدم. زیرا فعل (دَخَلْتُ) متکلم وحده است و دَخَلْنَا: وارد شدیم.

التمرین الثانی:

(۱) ما ظَلَمَهُمْ: به آنها ظلم نکرد. (ماضی منفی) - كانوا ... يَظْلِمُونَ: ظلم و ستم می‌کردند. كانوا: ماضی / يَظْلِمُونَ: مضارع؛ اما ترکیب كانوا يَظْلِمُونَ: معادل ماضی استمراری در فارسی در معنی ترجمه می‌شود.

(۲) لا أَعْلَمُ: نمی‌دانم (مضارع منفی).

(۳) اَعْمَلْ: عمل کن (امر) / تَعِيشْ: زندگی می‌کنی. (مضارع)

(۴) لا تَقْتُلُوا: نکشید (نهی) زیرا فعل مضارع مجزوم به حذف نون شده است.

التمرین الثالث:

(۱) جدید ما است. زیرا هرگاه ۲ اسم پشت سر هم باشد که اسم اول همراه با ضمیر و اسم دوم ال دار باشد یعنی هرگاه (اسم همراه ضمیر + اسم ال دار) باشد. مثل: مدرستنا الجديدة در این صورت اسم ال دار (الجديدة) صفت است و باید همراه موصوف (مدرسة) معنی شود و ضمیر که مضاف الیه است (نا) بعد از صفت بیاید: مدرسه‌ی جدید ما.

(۲) می‌خوردند. زیرا فعل جمله (کان + فعل مضارع يَتَنَاوَلُونَ) است که در این صورت معادل ماضی استمراری فارسی معنی می‌شود. مثال برای ماضی استمراری فارسی: می‌خوردند، می‌رفتند، می‌نوشتند و ...

(۳) خواهم خواند. زیرا (سأدرس) فعل مضارعی است که به خاطر (س، سوف) قبلش دلالت بر آینده (مستقبل) دارد.

(۴) باز کنید. زیرا (افتحوا) فعل امر است. / بشنوم. زیرا (لأَدْخُلُ) فعل مضارع است.

التمرین الخامس:

(۱) العنَب (انگور): فاكهةٌ مختلفةُ الألوان، منها: الأسود والأصفر.



(۲) الزَّرَافَةُ (زرافه): حیوانٌ عُنُقُهُ طویلٌ جِدًّا و لَوْنُهُ فی البلاد.

(۳) المُرَضُّ (پرستار): یَعْطِفُ عَلَی المَرْضَى و مِهْنَتُهُ قِضَاءُ حَاجَاتِ المَرْضَى.

(۴) الرِّمَانُ (انار): فَاكِهَةٌ حُبُوبُهَا حَمْرَاءُ و غَنَى بَعْنَصِرِ الحَدِیدِ.

(۵) الشُّرْطَى (پلیس): مَسْئُولُ حِفْظِ الأَمْنِ و النُّظْمِ فی البلاد.

(۶) الفَرَسُ (اسب): حیوانٌ سَرِیعٌ و الرَّاكِبُونَ یَسْتَفِیدُونَ مِنْهُ فی المَسَابِقِ.

التمرین خامس:

(۱) لَعِبْتُ: زیرا در جمله قید ماضی (الأسبوع الماضي) دلالت بر انجام کار در گذشته دارد.

(۲) نُسَافِرُ: زیرا (سوف و س) + مضارع = مستقبل. (سوف و س) بر سر مضارع می‌آیند تا دلالت بر آینده (مستقبل) کند.

(۳) تَذَهَّبُ: زیرا به خاطر (یا فاطمه) "ای فاطمه" فعل مونث مخاطب می‌خواهیم. بنابراین حذف (تَذَهَّبُ) که مونث غایب است و به خاطر قید (بعد یومین) گزینه مضارع بهتر است: ای فاطمه بعد از ۲ روز کجا می‌روی؟

(۴) عَمِلْتُ: با توجه به عَمِلْتُ که ماضی است و قید گذشته (یوم أمس) عَمِلْتُ پاسخ صحیح است.

(۵) یُشارِكُن: این زنان شرکت می‌کنند. (آنها غائب)

نکته ۱: (تُشارِكُن) جمع مونث مخاطب است درحالی‌که با توجه به معنی جمله به فعل غائب نیاز داریم.

نکته ۲: هرگاه قید زمانی که دلالت بر آینده دارد مانند (غداً) در جمله باشد می‌توان فعل مضارع یا مستقبل انتخاب کرد که هر ۲ درست است.

(۶) أَخَذْتُ: زیرا (المُدْرَسَةُ) مونث است و فعلش نیز باید مونث باشد تا باهم مطابقت کنند.

التمرین السادس:

(۱) أَنْتُمْ

(۲) هُمَا-أَنْتُمْ: هر دو درست است. هُمَا تَذَهَّبَانِ: آن دو زن می‌روند. مثنی مونث غائب / أَنْتُمْ تَذَهَّبَانِ: شما دو زن یا مرد می‌روید. مثنی مونث مخاطب یا مثنی مذکر مخاطب.

(۳) أَنْتِ

(۴) هَا (بخاطر فاطمه) و ضمیر متصل انتخاب می‌کنیم تا به اخوت بچسبند.

(۵) نَحْنُ / أَنْتُمْ

(۶) هِ / هُمْ. توجه: ضمیر ه به علی برمی‌گردد و ضمیر هم به اصدقاء که جمع است برمی‌گردد.